

بررسی رابطه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی در ایران

آتوسا گودرزی^۱

شیمیا سخایی^۲

چکیده

صنعت بیمه در سطح کلان، از طریق انباشت منابع و سرمایه‌گذاری آنها به رشد اقتصادی کشور کمک قابل توجهی می‌کند. در این پژوهش، رابطه میان توسعه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۳ بررسی قرار گرفته است. ابتدا پایایی متغیرها از طریق آزمون ریشه واحد بررسی شده و سپس با آزمون علیت گرنجر و تخمین مدل تصحیح خطای برداری (VECM)، رابطه علی و جهت‌علیت بررسی شده است.

نتایج تجرّی تحقیق حاضر وجود رابطه علی معناداری بین رشد بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی را تایید نمی‌کنند. از این نتیجه می‌توان به این واقعیت پی برد که ذخایر فنی حاصله از قراردادهای بیمه در شرکت‌های بیمه بصورت کارا سرمایه‌گذاری نمی‌شوند و لذا اثر سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی معنا دار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: بیمه غیرزندگی، رشد اقتصادی، مدل تصحیح خطای برداری

(VECM)، سری زمانی

طبقه‌بندی JEL: G22, O40, C58, C22

۱. استادیار، گروه بیمه، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

atousagoodarzi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد علوم برنامه‌ریزی و محاسبات بیمه مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو دانشگاه علامه طباطبائی

sakhaei.sh@gmail.com

2. Lucas

۱. مقدمه

مطالعات نظری و شواهد تجربی مؤید آن است که کشورهای با سیستم‌های مالی کاراتر و با عمق مالی بیشتر از رشد بلندمدت سریع‌تر و پایدارتری برخوردار هستند و بازارهای مالی توسعه‌یافته تأثیر مثبت و درخور توجهی روی عوامل تولیدی برجا می‌گذارند که در نهایت، به رشد بلندمدت می‌انجامد.

بر اساس یافته‌های سولو (۱۹۵۶)^۱ و مرتن (۲۰۰۴)^۲، در صورت نبود سیستمی مالی که بتواند ابزارهایی برای تبدیل نوآوری‌های تکنیکی در سطوح اجرایی ارائه کند، پیشرفت فنی و تکنولوژیکی تأثیر اساسی و درخور توجهی در رشد و توسعه اقتصادی نخواهد داشت. همچنین طبق تئوری رابطه مالی- رشد، توسعه مالی از طریق کانال‌های تولیدی، انتقال کارای وجوه شده به سرمایه‌گذاری، نرخ پس‌انداز و نوآوری‌های تکنولوژیکی، رشد اقتصادی را گسترش می‌دهد (لوین، ۱۹۹۷)^۳.

تأثیرگذاری این کانال‌ها بر رشد اقتصادی از طریق واسطه‌های مالی تحقق می‌پذیرد. این عملکردهای مالی به ارائه ابزارهایی برای تسویه پرداخت‌ها به‌منظور تسهیل مبادله کالاها، دارایی‌ها و خدمات، ارائه مکانیسمی برای جمع‌آوری منابع، تخصیص منابع، مدیریت ریسک، ارائه اطلاعات قیمتی برای کمک به هماهنگی تصمیم‌گیری‌های غیرمتمرکز در بخش‌های متنوع اقتصاد و ابزارهایی می‌پردازد که مشکلات ناشی از نامتقارن بودن اطلاعات را برطرف می‌کند (بادی و مرتن، ۱۹۹۵)^۴. بر اساس مطالعات تجربی متعدد، واسطه‌های مالی نقش حمایتی را در فرایند رشد ایفا می‌کنند.

در بین واسطه‌های مالی اثرگذار بر عملکردهای سیستم مالی، شرکت‌های بیمه نقش مهمی ایفا می‌کنند. آن‌ها ابزار اصلی مدیریت ریسک برای شرکت‌ها و افراد هستند که از طریق صدور قراردادهای بیمه، وجوه را جمع‌آوری می‌کنند و به بخش‌های اقتصادی که با کمبود وجوه و نقدینگی لازم روبه‌رو هستند، برای سرمایه‌گذاری مالی انتقال می‌دهند. بر این اساس، صنعت بیمه از عواملی است که تأثیر مهمی بر رشد اقتصادی دارد.

اهمیت تئوری رابطه بیمه- رشد در حال افزایش است؛ زیرا سهم بخش بیمه به‌عنوان نهادی از بخش مالی تقریباً در هر کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه، در حال رشد و افزایش است. رابطه فزاینده بین بیمه و سایر بخش‌های مالی

1. Solow
2. Merton
3. Levine
4. Merton & Bodie

نیز این نقش شرکت‌های بیمه در رشد اقتصادی را تأیید می‌کند (رول، ۲۰۰۱).^۱ صنعت بیمه به‌طور کلی از طریق عملکردهایی در بازار سرمایه توانسته است از دو کانال انباشت سرمایه و نوآوری فنی، از رشد اقتصادی حمایت کند؛ عملکردهایی نظیر: ۱. ایجاد ثبات مالی در بین خانوارها با پرداخت خسارت؛ ۲. جانشینی و تکمیل برنامه‌های تأمین اجتماعی دولت از طریق ارائه بیمه‌های درمان، زندگی و حوادث؛ ۳. تسهیل در تجارت و معاملات؛ ۴. کمک به تحرک پس‌اندازها از طریق دریافت حق بیمه از بیمه‌گذاران؛ ۵. تسهیل در مدیریت ریسک؛ ۶. استفاده از تدابیر لازم برای کاهش خسارت؛ ۷. تخصیص کارآمد سرمایه.

هدف این پژوهش، بررسی رابطه میان توسعه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۳ است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا توسعه بیمه‌های غیرزندگی، از رشد اقتصادی حمایت می‌کند؟

فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه «رشد بخش بیمه غیرزندگی، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبتی دارد»، با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و کاربرد نرم‌افزارهای Eviews7 و Microfit 4.1 بررسی می‌گردد. بدین منظور، ابتدا از آزمون ریشه واحد با روش دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم‌یافته (۱۹۸۱)^۲ استفاده می‌شود. این ضرورت از آن جهت مطرح می‌گردد که تمامی متغیرها باید پایا باشند. در غیر این صورت، رگرسیون به‌دست‌آمده کاذب خواهد بود (گرنجر، ۱۹۸۸).^۳ متغیرها معمولاً با اولین یا دومین تفاضل پایا می‌شوند (راماناتان، ۱۹۹۲).^۴ در رابطه با ارزیابی متغیرها از جهت ایستایی آزمون‌های متعددی وجود دارد که این آزمون‌ها عبارت‌اند از: آزمون هم‌بستگی نگار، آزمون ریشه واحد دیکی فولر، آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته و آزمون شکست ساختاری پرون.^۵ در این تحقیق از آزمون ریشه واحد دیکی-فولر و دیکی فولر تعمیم‌یافته استفاده شده است.

در نهایت، تعداد وقفه بهینه برای تخمین مدل تصحیح خطای برداری^۶ تعیین

1. Rule

2. Dickey & Fuller

3. Granger

4. Ramanathan

۵. برای توضیحات بیشتر رجوع شود به: توفرسنی، محمد. ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی، چاپ اول، ۱۳۷۸، صفحات ۲۵ تا ۵۰.

6. Vector Error Correction Model

می‌شود و با برآورد ضرایب، وجود رابطه علی بین متغیرها و معنی‌داری آن‌ها از نظر آماری بررسی می‌شود. در ادامه، وجود رابطه علی بین دو سری و جهت علیت، همچنین یک‌سویه یا دوسویه بودن آن با استفاده از آماره F از طریق آزمون علیت گرنجر بررسی قرار شد.

این مقاله در پنج بخش سازمان‌دهی شده است. بعد از مقدمه، در بخش دوم به تحلیل نحوه تأثیرگذاری بیمه و رشد اقتصادی و رابطه این دو متغیر می‌پردازد. در بخش سوم مروری بر منابع موضوع و پیشینه پژوهش ارائه می‌شود. بخش چهارم به تصریح و برآورد مدل خواهد پرداخت. بخش پنجم نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲. تأثیرگذاری بیمه بر رشد اقتصادی

با توجه به تحولات اساسی در اصول اقتصاد بازار و نقش آن در توسعه و رشد کشورها، نوعی کارکرد و وظیفه مهم در حفظ و تأمین رشد اقتصادی بر عهده بازارهای مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن گذاشته شده است. در همین راستا، توجه به نقش بیمه در جمع‌آوری سرمایه و توزیع آن به نحوی که بتواند به شکل مناسبی در رشد و توسعه کشور مؤثر باشد، از مباحث اصلی در این حوزه شناسایی شده است.

با عنایت به اینکه فعالیت‌های تجاری دربرگیرنده خطرات مختلفی است و در سطح بین‌المللی به‌ویژه در مقاطع زمانی خاص، شرکت‌های متعددی ورشکسته شده‌اند و قادر نیستند تعهدات خود را نسبت به طرف‌های تجاری به انجام رسانند، در صورت نبود پوشش‌های تأمینی و بیمه‌ای، فرایند رشد اقتصادی با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. بنابراین، در اغلب موارد ناتوانی خریداران در پرداخت بدهی‌ها و انباشت آن، ادامه حیات بنگاه‌ها و عوامل اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و به‌عنوان مانعی در مسیر رشد و توسعه اقتصادی عمل می‌کند. بنابراین، عملکرد مناسب صنعت بیمه، لازمه رشد، گسترش بازرگانی و توسعه سرمایه‌گذاری است.

با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری به‌وسیله پس‌انداز امکان‌پذیر است، بین انواع بیمه‌ها، بیمه‌های زندگی به‌عنوان یکی از فعالیت‌های بیمه‌ای مهم و مؤثر بر ارتقای سطح سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود. مهم‌ترین وظیفه شرکت‌های بیمه

زندگی، هدایت جابه‌جایی پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری است. نتیجه این جابه‌جایی و کانالیزه کردن، رشد اقتصادی خواهد بود. در همین راستا، مهم‌ترین وظیفه بیمه، ایجاد فضایی امن برای سرمایه‌گذاری و حصول اطمینان از این امر است که منابع در حوزه‌هایی سرمایه‌گذاری گردد که خطر کمتری داشته باشد. معمولاً تمام شرکت‌های بیمه‌ای که در بخش بیمه زندگی مشغول به فعالیت هستند، منابع مالی درخور توجهی دارند که از محل حق بیمه‌های دریافتی اشخاص تأمین و به نحوی در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌گردد که در رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

در جوامع امروزی، مدرنیزه کردن ساختارهای اقتصادی بدون برنامه‌ای برای سرمایه‌گذاری درست امکان‌پذیر نیست و به این سبب که سرمایه‌گذاری از عوامل مهم در رشد اقتصادی است، منحصرأ از طریق محاسبات و ارزیابی‌های دقیق منابع مادی و انسانی در دسترس می‌توان به این هدف دست یافت. لذا فعالیت‌های بیمه‌ای از طریق مدیریت ریسک، یعنی جمع‌آوری عوامل و فاکتورهای مورد نیاز برای حصول اطمینان از انجام تعهدات و کنترل ریسک، نقش مهمی در این زمینه بر عهده خواهد داشت.

البته باید خاطر نشان کرد در اصل، وظیفه بیمه جبران ضرر ناشی از حوادث غیرمترقبه نیست؛ بلکه پیشگیری از خطر و عواقب ناشی از بروز آن است. در شرایطی که منابع و امکانات محدود و نیازها نامحدودند، توجه به این امر بسیار مهم خواهد بود. بنابراین یکی از نقش‌های مهم بیمه و آثار آن بر رشد اقتصادی، ناشی از تحقق این امر است (بشیر خداپرستی، ۱۳۸۹).

از عوامل محرک رشد و توسعه اقتصادی، گسترش فعالیت‌های تجاری در سطح ملی و بین‌المللی است. در شرایط امروزی که فعالیت‌های اقتصادی در محیط رقابتی انجام می‌گیرد، موفقیت‌های تجاری به توانایی‌های خریداران بستگی دارد. اگر در گذشته، تجارت بر مبنای پول ملی صورت می‌گرفت، امروزه این گونه نیست و توسط پول‌های مختلف و در بسیاری از موارد به طریق اعتباری (غیرنقدی) انجام می‌گردد. همین امر شرایط بی‌اطمینانی را افزایش می‌دهد، رشد و توسعه را با مشکل مواجه می‌کند و نقش بیمه در اقتصاد را بیش از پیش نشان می‌دهد. بنابراین، اطمینان از برگشت سرمایه‌گذاری شرط اول انجام هر فعالیت اقتصادی است که فقط در نتیجه وجود پوشش‌های

بیمه‌ای امکان‌پذیر است. این مورد نیز از دیگر آثار و دلایل اثرگذاری صنعت بیمه بر فرایند رشد اقتصادی است.

همچنین می‌توان به نقش بیمه در رشد اقتصادی، با توجه به تراز پرداخت‌های کشور توجه کرد. از آنجایی که فعالیت‌های شرکت‌های بیمه و به‌ویژه شرکت‌های بیمه انکابی (به‌رغم اعمال مدیریت ریسک و توجه به مسائل مختلف مبتلا به)، بدون خطر نیست، رعایت نکردن قوانین و مقررات هنگام پذیرش و قبول خطرات توسط شرکت‌های بیمه می‌تواند تا حد زیادی تراز پرداخت‌های کشور را تحت تأثیر قرار دهد و این موضوع نیز به‌نوبه خود بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

از مسائل دیگری که باید در بررسی رابطه بین بیمه و رشد اقتصادی به آن توجه کرد، نحوه واکنش افراد به ریسک است. در همین راستا می‌توان به طبقه‌بندی تحت عنوان بی‌تفاوتی، قبول ریسک و بیمه کردن اشاره کرد. معمولاً در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته، اشخاص به بیمه اهمیت نمی‌دهند و خطر را قبول می‌کنند. دلایل متعددی را می‌توان در حوزه آسیب‌شناسی این امر بیان کرد؛ از جمله درآمد کم، نشناختن مزایای بیمه، ارائه نکردن خدمات مناسب از طرف شرکت‌های بیمه‌ای و... این موارد از مسائل مهم در رشد اقتصادی این کشورها است؛ زیرا در چنین شرایطی، اتلاف منابع رخ می‌دهد و سطح فعالیت‌های تجاری در حد چشمگیری کاهش پیدا می‌کند. این امر در نهایت باعث کاهش درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود.

برای مقابله با این امر در کشورمان، در سال‌های گذشته، ضمن ارائه مشوق‌های مختلف (از قبیل مشارکت دولت در پرداخت قسمتی از حق بیمه کارگران، اعطای یارانه به واحدهای اقتصادی و...) تمامی کارفرمایان مکلف شده‌اند مستخدمان خود را تحت پوشش بیمه قرار دهند. همین امر تا حد زیادی باعث تخصیص مناسب منابع و در نتیجه، افزایش تولید و رشد اقتصادی شده است. شایان ذکر است رشد بیمه‌های انفرادی تحت تأثیر عواملی نظیر سطح توسعه اقتصادی کشور و قابلیت پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار قرار می‌گیرد. لذا روشن است رشد اقتصادی واقعی باعث افزایش سطح درآمد سرانه می‌شود و همین امر، منابع مالی لازم را برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های صنعت بیمه و در نتیجه، کاهش خطر و افزایش فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کند.

یکی دیگر از راه‌های کاهش خطر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه رشد اقتصادی «فرانشیز» است. فرانشیز در لغت به معنای تخفیف و کاهش است؛ ولی در واقع به معنای مشارکت بیمه‌گذار در فعالیت‌های بیمه‌ای است. این عمل از طریق سهم کردن بیمه‌گذار در مخاطرات توسط بیمه‌گر صورت می‌گیرد و باعث می‌شود بیمه‌گذار از موضوع بیمه استفاده مناسبی کند. در نتیجه از اتلاف منابع جلوگیری می‌شود. این امر نیز سبب سرعت بخشی به فرایند رشد اقتصادی خواهد شد. به‌طور کلی، فرانشیز به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱. فرانشیز ساده که در آن بیمه‌گر تا مبلغ تعیین شده را متعهد شده و مازاد بر آن در تعهد بیمه‌گذار خواهد بود؛ ۲. فرانشیز مطلق که در آن بیمه‌گذار تا مبلغ تعیین شده را متعهد و باقی خسارت بر عهده بیمه‌گر خواهد بود (بشیر خداپرستی، ۱۳۸۹).

عامل دیگری که بر نقش بیمه در رشد اقتصادی تأکید دارد، ایجاد محیطی امن برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم خارجی است. درجه‌بندی کشورها توسط مؤسسات مالی معتبر به همین امر اشاره می‌نماید. افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی سبب ثبات عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از طریق استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، اشتغال‌زایی، افزایش دانش و... می‌شود و همین موارد، نقش و کارکرد صنعت بیمه را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۳. مرور متون نظری و پیشینه تحقیق

کامینز (۱۹۷۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مدل اقتصادسنجی، بخش بیمه زندگی اقتصاد آمریکا»، اثر متغیرهای کلان اقتصادی را روی بیمه زندگی مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که بیمه زندگی با تولید ناخالص داخلی در ارتباط است. بینستوک، دیکسون و خاجاریا (۱۹۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تجزیه و تحلیل بین‌المللی رابطه بین بیمه مسئولیت با درآمد» رابطه بیمه مسئولیت و درآمد را برای ۵۰ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه بین بیمه مسئولیت و تولید ناخالص داخلی، مثبت و دارای کشش درآمدی بزرگ‌تر از واحد است.

اوترویل (۱۹۹۷) اهمیت بیمه را در کشورهای در حال توسعه بررسی کرد. او ۴۵ کشور در حال توسعه را با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که

1. Cummins
2. Beenstock & Dickson & Khajuria
3. Outreville

رابطه بین حق بیمه دریافتی و تولید ناخالص داخلی، مثبت و دارای کشش در آمدی بزرگ‌تر از واحد است.

وارد و زوربروگ (۲۰۰۰) 'رابطه علی بین رشد فعالیت‌های بیمه و رشد اقتصادی را در ۹ کشور طی سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۶۱ بررسی کردند. آن‌ها از تولید ناخالص داخلی واقعی به عنوان معیار اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و از حق بیمه‌های سالیانه واقعی برای اندازه‌گیری فعالیت‌های بیمه‌ای استفاده کردند و با بهره‌گیری از روش VAR دو متغیره برای آزمون علیت گرنجری نشان دادند که فعالیت‌های بیمه‌ای در دو کشور کانادا و ژاپن باعث افزایش رشد اقتصادی گردیده است؛ در حالی که در کشور ایتالیا یک رابطه دوطرفه بین بیمه و فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد. با وجود این، این رابطه بسیار ضعیف بوده و نسبت به دو کشور فوق بسیار کم اهمیت است.

در کشورهای دیگر، شواهد و دلایلی برای تأیید این رابطه وجود ندارد. آزمون رابطه علی با توجه به مدل تصحیح خطا نیز نتایج فوق را تأیید می‌کند. تنها استثنا در مورد دو کشور فرانسه و استرالیا است که در آن‌ها رابطه نسبتاً ضعیفی وجود دارد. در پایان نویسندگان نتیجه می‌گیرند که رابطه علی بین بیمه و رشد اقتصادی در بین کشورها بسیار متفاوت است و این تفاوت به سبب اثر عوامل مختلف مختص هر کشور نظیر وضعیت فرهنگی، مقررات، محیط سیاسی، بهبود عملیات واسطه‌گری در بخش مالی و... ایجاد می‌شود.

در مطالعه‌ای وب، گریس و اسکیر (۲۰۰۲)^۲ اثر بانک و بیمه روی رشد اقتصادی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بیمه و بانک بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند و اثر مشترک این دو بر رشد اقتصادی بیشتر است.

تانخای بون (۲۰۰۴)^۳ در پژوهشی در مورد اقتصاد سنگاپور، مؤسسات مالی را به بانک، بیمه و بازار سرمایه تقسیم کرد و نتیجه گرفت که بانک از «نظریه‌های تعقیب تقاضا»، بازار سرمایه در کوتاه‌مدت از «نظریه‌های تعقیب تقاضا» و در بلندمدت از «نظریه‌های رهبری عرضه» و بیمه نیز از «نظریه‌های رهبری عرضه» پیروی می‌کند. به عبارتی دیگر در خصوص بیمه، رابطه علی از بیمه به رشد اقتصادی برقرار است.

وب و همکاران اثر عملیات بانکی و بیمه را بر افزایش سرمایه و تولید در ۵۵ کشور مختلف در بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۸۰ بررسی کردند. در این تحقیق متغیر

1. Ward and Zurbrugg

2-Webb & Grace & Skipper

3- Tankhay Boon

بیمه زندگی و غیرزندگی به وسیله سهم حق بیمه دریافتی از تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده است. در برآورد اول، آن‌ها از روش حداقل مربعات معمولی و در برآورد دوم از روش معادلات هم‌زمان با استفاده از حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای استفاده کردند. نتیجه برآورد اول، با در نظر گرفتن متغیرهای مالی برون‌زا، نشان‌دهنده اثر مثبت توسعه بانکی بر رشد اقتصادی است؛ در حالی که متغیر بیمه، اثر معنی‌داری ندارد. نتایج معادلات هم‌زمان، با در نظر گرفتن متغیرهای درون‌زا، با فرض رابطه درون‌زا بین فعالیت‌های مالی و رشد اقتصادی، نشان می‌دهد سطح بالای عملیات بانکی و حق بیمه زندگی دریافتی بالا، به نرخ بالای رشد اقتصادی منجر می‌شود. در مورد رابطه این متغیرها در جهات دیگر، رشد اقتصادی بر ضریب نفوذ بیمه زندگی اثر می‌گذارد؛ در حالی که این امر در مورد عملیات بانکی به‌طور دقیق قابل پیش‌بینی نیست. در مقابل، هیچ رابطه‌ای بین بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی در جهات مختلف وجود ندارد.

کاگلر و افقی (۲۰۰۵)^۱ رابطه بلندمدت بین اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی را در کشور انگلستان طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۶ برای بیمه‌های بلندمدت و طی دوره ۲۰۰۳-۱۹۷۱ برای بیمه‌های عمومی بررسی کردند. در مقایسه با تحقیقات وارد و زوربروگ (۲۰۰۰)^۲ که از متغیر حق بیمه دریافتی کل استفاده کرده‌اند، در این تحقیق از داده‌های جزئی برای اندازه‌گیری بازار استفاده شده است؛ به این صورت که آنان از مقدار حق بیمه خالص در هر بازار در صنعت بیمه انگلستان به‌عنوان مقیاسی برای اندازه‌گیری آن بازار استفاده کرده‌اند. طبقه‌بندی بازارها در قالب بازار بلندمدت بیمه شامل بیمه زندگی، حق بیمه سالیانه، بیمه بازنشستگی فردی و دیگر بازار بیمه عمومی، بیمه اتکایی و... ارائه شده است. آن‌ها با استفاده از آزمون هم‌جمع‌ی یوهانسن دریافتند که رابطه‌ای بلندمدت بین توسعه اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی در تمامی مؤلفه‌های بازار بیمه وجود دارد.

آزمون‌های علیت نیز نشان می‌دهند که رابطه علی بین رشد اندازه بازار بیمه و رشد اقتصادی بلندمدت در هشت بازار بیمه قابل تأیید است. در مقابل رابطه علی کوتاه‌مدت تنها از بیمه‌های زندگی، تعهدات و خسارت‌های مالی به رشد اقتصادی مشاهده می‌شود. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که نوعی

1. Kugler and Ofoghi

2. Ward & Zurbruegg

رابطه علیت دو طرفه بلندمدت بین رشد اقتصادی و اندازه بازار بیمه در سه طبقه بیمه‌ای وجود دارد که در آن‌ها نیز رابطه علیت از رشد اقتصادی به توسعه بیمه، قوی‌تر از جهت معکوس آن است.

آدامز و همکاران (۲۰۰۵)^۱ رابطه تاریخی یویایی را بین عملیات بانکی، بیمه و رشد در کشور سوئد طی دوره ۱۸۳۹-۱۹۹۸ بررسی کردند. در این پژوهش، توسعه بیمه زندگی و غیر زندگی به وسیله حق بیمه دریافتی سالانه اندازه‌گیری شده است. آن‌ها از داده‌های سری زمانی و آزمون‌های اقتصادسنجی برای بررسی هم‌جمعی و علیت گرنجری استفاده کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد توسعه بانکی و نه توسعه بیمه، باعث رشد اقتصادی در قرن ۱۹ شده است؛ در حالی که در قرن بیستم این رابطه معکوس بوده است. بنابراین، توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای به‌طور عمده به وسیله رشد اقتصادی ایجاد شده است.

آرنا (۲۰۰۸)^۲ به رابطه علی بین فعالیت‌های بازار بیمه و رشد اقتصادی در ۵۶ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه را در بین سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۷۶ توجه کرده است. او از حق بیمه‌ها به‌عنوان شاخص کل استفاده کرده و هریک از بیمه‌های زندگی و غیر زندگی را جداگانه بررسی می‌کند. وی برای بررسی خود از مدل داده‌های تابلویی پویا^۳ و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده می‌کند.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار بین فعالیت‌های بیمه‌ای کل، زندگی و غیر زندگی و رشد اقتصادی است. اثر بیمه زندگی بر رشد اقتصادی تنها در مورد کشورهای با درآمد زیاد صادق است؛ ولی در بیمه‌های غیر زندگی این اثر در هر دو گروه از کشورها وجود دارد. این اثر در کشورهای توسعه‌یافته از دیگر کشورها قوی‌تر است. او همچنین امکان وجود اثر غیرخطی بیمه‌های زندگی و غیر زندگی را بر رشد اقتصادی بررسی کرد؛ ولی نتایج، وجود رابطه غیرخطی بین فعالیت‌های بیمه‌ای و رشد اقتصادی را تأیید نکرد.

هایس و سومگی (۲۰۰۸)^۴ مطالعه‌ای را از طریق روش داده‌های تابلویی در ۲۹ کشور عضو اتحادیه اروپا در بین سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۰۵ به انجام رساندند. متغیر بیمه به وسیله حق بیمه‌های دریافتی و کل سرمایه‌گذاری خالص انجام گرفته توسط شرکت‌های بیمه‌ای اندازه‌گیری شده است. درآمد حق بیمه شامل بیمه‌های زندگی و غیر زندگی است. آن‌ها از روش حداقل مربعات معمولی

1. Adams et al.
2. Arena
3. Panel Data
4. Haiss and Sümegi

برای مدل تابلویی نامتوازن با اثرهای ثابت زمانی و کشوری استفاده کردند. نتایج حاکی از آن است که بیمه زندگی در کشورهای سوئیس، نروژ و ایسلند بر تولید ناخالص داخلی اثر مثبت معنی‌داری داشته است؛ در حالی که بیمه غیرزندگی در اروپای شرقی و مرکزی اثر بزرگ‌تری نشان داده است. وادلاماناتی^۱ رشد بخش بیمه و اصلاحات به توسعه اقتصادی در هند توجه کرده و اثرهای رشد اقتصادی را در شرایط اعمال اصلاحات در بخش بیمه و نرخ رشد اصلاحات بیمه بررسی کرده است. او با استفاده از روش‌های سری زمانی و آزمون‌هایی مانند علیت گرنجر و VECM، رابطه بلندمدت بین بیمه و رشد اقتصادی را بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که تأثیر بخش بیمه بر توسعه اقتصادی مثبت است و رابطه تعادلی بلندمدت را ارائه می‌دهد. همچنین اعمال اصلاحات در بخش بیمه، هیچ رابطه قوی با رشد اقتصاد ایجاد نمی‌کند؛ اما نرخ رشد این اصلاحات تأثیر مثبتی روی رشد اقتصادی دارد.

هان و همکاران (۲۰۱۰)^۲ رابطه بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی را با استفاده از مدل‌های گشتاورهای تعمیم‌یافته^۳ و مدل داده‌های تابلویی پویا بر روی ۷۷ کشور طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۴ بررسی کردند. از چگالی بیمه برای اندازه‌گیری توسعه بیمه استفاده شده است. نمونه آماری به دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته تقسیم شده است. برای کشورهای در حال توسعه، توسعه بیمه عمومی، بیمه زندگی و غیرزندگی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته نقش مهم‌تری در رشد اقتصادی دارند.

چینگ، کویگید و فوروکا (۲۰۱۰)^۴ رابطه علی بین وجوه سرمایه‌ای بیمه زندگی و رشد اقتصادی را در مالزی بررسی کردند. این مطالعه از آزمون هم‌انباشتگی، جوهانسن و آزمون علیت گرنجر را بر اساس مدل تصحیح خطای برداری استفاده می‌کند تا رابطه علی احتمالی را بررسی کند. نتایج شواهد کافی برای حمایت از رابطه بلندمدت بین شاخص بیمه زندگی و تولید ناخالص داخلی و رابطه علی کوتاه‌مدت تولید ناخالص داخلی روی شاخص بیمه زندگی را ارائه می‌کند. بر اساس این یافته‌ها، صنعت بیمه زندگی مالزی می‌تواند به‌طور بالقوه، بخش مالی مؤثر در رشد اقتصادی باشد.

عزیزی و پاسبان (۱۳۷۴) در مطالعه‌ای رابطه بین بیمه زندگی و رشد اقتصادی

1. Wadlamannati
2. Han et al.
3. Generalized Method of Moments
4. Ching, Kogid & Furuoka

ایران را با روش حداقل مربعات معمولی^۱ بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که بین حق بیمه سرانه زندگی و تولید ناخالص داخلی رابطه مثبت وجود دارد.

جعفری صمیمی و کاردگر (۱۳۸۵) با مقاله‌ای تحت عنوان «آیا توسعه بیمه، رشد اقتصادی را حمایت می‌کند؟» رابطه علی بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران را در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۳۸ از دیدگاه تجربی بررسی می‌کنند. آن‌ها آزمون‌های مختلفی را در خصوص ایستایی و هم‌انباشستگی متغیرها برای تعیین مدل علیت (مدل تصحیح خطا) به کار می‌گیرند. نتایج تجربی این مطالعه وجود رابطه علی بین بیمه زندگی و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند؛ اما این رابطه علی بین بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی تأیید نشد.

سلطانی (۱۳۹۰) رابطه بین رشد صنعت بیمه و توسعه اقتصادی را در کشورهای در حال توسعه منتخب الجزایر، مالزی، اندونزی، پاکستان، ترکیه، فیلیپین، مصر و هند بررسی می‌کند و مقایسه‌ای با ایران در دوره زمانی ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۹ را ارائه می‌نماید. با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی بر اساس تحلیل استنتاجی و روش داده‌های تابلویی و ضمن تخمین پارامترهای مدل، تأیید گردید که همه متغیرهای بررسی شده، اثر مثبت و معنی‌داری روی اقتصاد کشورهای ذکر شده گذاشته‌اند.

۴. تصریح و برآورد مدل

در این پژوهش به منظور بررسی وجود رابطه بین بیمه غیرزندگی و رشد اقتصادی از داده‌های سری زمانی مربوط به سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۹۳ استفاده شده است. بدین منظور، برای نمایش رشد اقتصادی از لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ بهره‌گیری شده است. شایان ذکر است اطلاعات مذکور از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج گردیده است.^۲ حق بیمه رشته‌های مختلف بیمه‌های غیرزندگی به تفکیک رشته‌هایی که بیشترین سهم را در بازار بیمه ایران به خود اختصاص می‌دهند (شامل بدنه، شخص ثالث، حمل و نقل، حوادث و سایر رشته‌های بیمه غیرزندگی، بیمه‌های مهندسی، پول، اعتبار، کشتی، هواپیما، نفت و انرژی و مسئولیت، به صورت مجموع حق بیمه‌های مربوطه در نظر گرفته شده است)، به صورت لگاریتمی به عنوان شاخصی برای رشد بخش بیمه غیرزندگی مورد استفاده قرار گرفته

1. Ordinary Least Squares (OLS)

2. www.cbi.ir

است. اطلاعات مربوط به حق بیمه‌ها از گزارش‌های سالانه صنعت بیمه و سایر انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده است.^۱ متغیرهای کنترلی که در مدل استفاده شده است، شامل شاخص‌های مالی و اقتصاد کلان از جمله رشد عرضه پول یا حجم نقدینگی کشور و رشد درآمد نفتی است که به ترتیب با استفاده از M2 و درآمد سالانه دولت از فروش نفت خام (فراورده‌های نفتی و در بعضی از سال‌ها شامل فروش گاز طبیعی) نشان داده شده و اطلاعات مربوط به آن‌ها از پایگاه نشریات مرکز آمار ایران^۲ و بانک مرکزی ایران گردآوری شده است.

شایان ذکر است دلیل لحاظ در آمد نفتی در مدل، اتکای بودجه دولتی به درآمدهای نفتی و آثار درخور توجه نوسانات قیمت نفت بر اقتصاد ایران است. در اقتصاد ایران، در طول دوره مورد مطالعه ۸۰ تا ۹۰ درصد درآمدهای صادراتی و ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه سالانه دولت را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهند. به علاوه، بالغ بر ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی ایران مربوط به فروش نفت است. همچنین با عنایت به آنکه منبع اصلی کمک‌های مالی و یارانه‌ها نیز درآمدهای نفتی است، درآمد حاصل از صدور نفت خام به‌طور غیرمستقیم بر دیگر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیرگذار است. بر این اساس، اقتصاد ایران به‌صورت گسترده‌ای به صادرات نفت خام وابسته بوده و شوک بازارهای جهانی نفت می‌تواند اثراتی بزرگ بر ساختار اقتصادی ایران بر جای گذارد. به‌طور کلی، شوک‌های قیمت نفت می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی کشور را از طریق تأثیر بر طرف عرضه اقتصاد (با تأثیرگذاری بر ظرفیت تولیدی فعالیت‌های اقتصادی) تحت تأثیر قرار دهند. در ضمن، اثرگذاری متغیر حجم پول نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های پولی بانک مرکزی به‌منظور مهار تورم شناخته می‌شود و بر این اساس، افزایش یا کاهش نقدینگی و حجم عرضه پول بر رشد اقتصادی اثر درخور توجهی خواهد داشت.

مدل کلی استفاده‌شده در این پژوهش به‌صورت زیر است:

$$EG_t = f(NLI_t, M_t, OIL_t)$$

که در آن: EG_t رشد اقتصادی، NLI_t رشد بیمه‌های غیرزندگی، M_t رشد عرضه پول (نقدینگی) و OIL_t رشد درآمد نفتی است.

الگوی فوق یک بار به تفکیک هریک از انواع بیمه‌های غیرزندگی (حمل و نقل،

1. www.centinsur.ir

2. www.amar.sci.org.ir

3. www.amar.sci.org.ir

حوادث، شخص ثالث، بدنه اتومبیل و سایر) برآورد خواهد شد و مرتبه دیگر، برحسب مجموع انواع بیمه‌ها به صورت برآورد کلی نیز ارائه خواهد گردید.

۱.۴. آزمون ریشه واحد

پیش از انجام برآوردها، ابتدا لازم است از یکسان بودن درجه پایایی متغیرها اطمینان حاصل شود. آزمون انجام گرفته در سطح متغیرها، حاکی از عدم ایستایی آن‌ها بود. لذا آزمون با یک مرحله تفاضل‌گیری مجدد تکرار گردید و نتایج آن به صورت جدول ۱ به دست آمد.

جدول ۱. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته برای تفاضل مرتبه اول متغیرها

تفاضل مرتبه اول متغیر		سطح متغیر		
مقدار بحرانی	میزان آماره	مقدار بحرانی	میزان آماره	نتایج آزمون متغیر
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۶,۲۱۱,۷۶۵	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۲,۰۳۵,۲۰۳	تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت ۱۳۸۳
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۳,۸۸۰,۴۹۴	-۲,۹۲۸,۱۴۲	۰,۸۳۹,۹۹۵	بیمه بدنه اتومبیل
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۳,۸۹۳,۳۹۰	-۲,۹۲۸,۱۴۲	۱,۰۰۰,۸۴۶	بیمه شخص ثالث
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۶,۲۲۲,۶۲۶	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۱,۱۱۹,۱۰۳	بیمه حمل و نقل
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۸,۸۲۷,۸۴۹	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۰,۱۸۸,۳۰	بیمه حوادث
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۷,۱۵۹,۹۹۰	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۰,۷۴۱,۴۶۳	سایر رشته‌های بیمه غیرزندگی
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۳,۲۰۱,۱۹۱	-۲,۹۲۸,۱۴۲	۱,۲۸۱,۵۹۸	جمع کل بیمه‌های غیرزندگی
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۷,۳۳۴,۴۷۶	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۰,۲۹۴,۰۲۴	عرضه پول (نقدینگی)
-۲,۹۲۹,۷۳۴	-۶,۱۴۱,۵۸۸	-۲,۹۲۸,۱۴۲	-۰,۸۹۸,۵۵۰	درآمد نفتی

طبق جدول، تمامی متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری پایا شده‌اند. با این توصیف، برآورد الگو در قسمت بعد در قالب الگوی VECM به انجام می‌رسد.

۲.۴. نتایج برآورد در قالب الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) پیش از برآورد مدل در قالب الگوی تصحیح خطای برداری، ابتدا تأثیرگذاری بیمه‌های غیرزندگی بر رشد اقتصادی از طریق الگوی علیت گرنجر آزموده شد. این آزمون اثر دوسویه هریک از این دو متغیر را بر یکدیگر می‌آزماید (نتایج آزمون در جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون علیت گرنجر در خصوص اثر علی بین مجموع بیمه غیرزندگی و تولید

ناخالص داخلی

نتیجه‌گیری	فرضیه صفر	آماره-F	احتمال
فرضیه صفر رد نمی‌شود.	علیت گرنجری از توسعه بیمه‌های غیرزندگی بر رشد اقتصادی برقرار نیست.	۰/۰۰۱۴۶	۰/۸۲۵۱
فرضیه صفر رد می‌شود.	علیت گرنجری از رشد اقتصادی بر توسعه بیمه‌های غیرزندگی برقرار نیست.	۵/۴۲۳۹	۰/۰۲۵۱

طبق جدول، علیت گرنجری از رشد اقتصادی بر توسعه بیمه‌های غیرزندگی برقرار نیست. ضمن آنکه توسعه بیمه‌های غیرزندگی نیز تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی نشان نمی‌دهد. البته این نتیجه نمی‌تواند مبنای قطعی مطالعه باشد و ضروری است در الگویی دقیق‌تر، به بررسی اثر بیمه‌های غیرزندگی و اثر تفکیکی هریک از رشته‌های بیمه‌ای بر رشد اقتصادی پرداخت. این امر در قالب الگوی تصحیح خطای برداری به انجام رسیده است که نتایج آن در دو مرحله برآورد اثر مجموع بیمه‌های غیرزندگی و برآورد اثر جزئی هریک از رشته‌ها گزارش می‌شود (جدول ۳ تا ۶).

جدول ۳. نتایج برآورد رابطه بلندمدت الگوی VECM برای بررسی اثر مجموع بیمه‌های غیرزندگی

بر رشد اقتصادی

متغیر	ضریب بردار نرمال شده	آماره t
Lgdp(-1)	۱/۰۰۰۰	
LM ₂ (-1)	۰/۱۹۵۵	۳/۰۷۰۶
Lnon-life(-1)	-۰/۰۹۲۳	-۱/۲۲۴۴

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

طبق جدول، تأثیر بیمه‌های غیرزندگی بر رشد اقتصادی نزدیک به صفر و منفی است. در ضمن، این اثر به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. این امر در نتیجه ماهیت کوتاه‌مدت این گروه از بیمه‌ها و در نتیجه، فرصت زمانی محدود برای تجمیع منابع برای بهره‌برداری در حوزه تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در سطح اقتصاد کلان است.

البته به‌منظور تدقیق نتایج بهتر است برآوردها به تفکیک هر یک از رشته فعالیت‌ها نیز انجام گیرد تا نسبت به نحوه اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی قضاوت صحیح‌تری صورت پذیرد. نتایج این برآوردها در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد رابطه بلندمدت الگوی VECM برای بررسی اثر بیمه شخص ثالث بر رشد

اقتصادی

متغیر	ضریب بردار نرمال‌شده	آماره t
Lgdp(-1)	۱/۰۰۰۰	
LM ₂ (-1)	۰/۱۹۷۳	۳/۱۲۴۷
Lthirdparty(-1)	-۰/۰۹۲۹	-۱/۶۶۵۶

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

جدول ۵. نتایج برآورد رابطه بلندمدت الگوی VECM برای بررسی اثر بیمه حمل‌ونقل بر رشد

اقتصادی

متغیر	ضریب بردار نرمال‌شده	آماره t
Lgdp(-1)	۱/۰۰۰۰	
LM ₂ (-1)	۰/۰۷۶۰	۲/۸۷۵۷
Ltransportation(-1)	-۰/۰۸۶۸	-۱/۵۰۷۸

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

جدول ۶. نتایج برآورد رابطه بلندمدت الگوی VECM برای بررسی اثر بیمه حوادث بر رشد اقتصادی

متغیر	ضریب بردار نرمال شده	آماره t
Lgdp(-1)	۱/۰۰۰۰	
LM ₂ (-1)	۰/۰۹۹۹	۲/۰۴۵۷
Lcasualty(-1)	-۰/۰۷۱۲	-۱/۱۱۷۸

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

جدول ۷. نتایج برآورد رابطه بلندمدت الگوی VECM برای بررسی اثر بیمه بدنه بر رشد اقتصادی

متغیر	ضریب بردار نرمال شده	آماره t
Lgdp(-1)	۱/۰۰۰۰	
LM ₂ (-1)	۰/۲۷۸۰	۳/۶۳۳۶
Lcollision(-1)	-۰/۰۹۱۰	-۱/۱۰۳۹

مأخذ: محاسبات پژوهش حاضر

طبق جداول، آماره t برای ضرایب برآورد شده از تخمین مدل VECM، بین تمامی رشته‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی نزدیک به صفر و منفی است؛ اما در هیچ‌یک از موارد به لحاظ آماری معنادار نیست. به دیگر بیان، اگرچه اثر بیمه‌های غیرزندگی به واسطه ماهیت کوتاه‌مدت این فعالیت‌ها و سهم اندک آن در اقتصاد کلان (ضریب نفوذ اندک) بر رشد اقتصادی منفی است؛ اما به لحاظ کمی بسیار کوچک و از نظر آماری بی‌معنا است.

در توضیح تجربی نتایج به دست آمده خاطر نشان می‌سازد:

مطالعات بین‌المللی در برخی کشورها نظیر مطالعه وارد و زوربروگ و پژوهش وب و همکاران نیز مؤید نبود رابطه آماری معنی‌دار بین رشد اقتصادی و بیمه‌های زندگی و غیرزندگی است؛ به‌ویژه این نتیجه در مورد مطالعات در حوزه رشته‌های غیرزندگی عمومیت بیشتری می‌یابد.

یافته‌های این مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری برای متولیان صنعت بیمه و

سیاست‌گذاران اقتصاد کلان این نتیجه و درس را ارائه می‌کنند که تأکید بر افزایش سهم بیمه‌های غیرزندگی در پرتفوی شرکت‌های بیمه، به‌رغم آثار مثبت اقتصادی از حیث ایجاد ثبات و امنیت نمی‌تواند به ارتقای رشد اقتصادی منجر شود. بیمه‌های زندگی از آنجایی که به تجمیع منابع مالی نزد شرکت‌های بیمه کمک می‌کند و این منابع در بلندمدت در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری خواهند شد، ممکن است بتوانند به رشد اقتصادی منجر شوند؛ لیکن انواع بیمه‌های غیرزندگی شامل بدنه، شخص ثالث، حمل و نقل، حوادث و سایر رشته‌های بیمه غیرزندگی (بیمه‌های مهندسی، پول، اعتبار، کشتی، هواپیما، نفت و انرژی و مسئولیت) که بالغ بر ۹۰ درصد سبد بیمه‌های غیرزندگی را تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر آماری معنی‌داری داشته باشد.

۵. خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تجربی رابطه علی بین توسعه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۴۸ است. برای این منظور، پس از مرور اجمالی بر بحث نظری و مطالعات تجربی درخصوص توسعه مالی و رشد اقتصادی تحلیل‌های تجربی درخصوص رابطه علی بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی ارائه گردید. در این راستا، ابتدا با استفاده از آزمون‌های مختلف ماهیت متغیرهای مورد مطالعه از نظر پایداری بررسی گردید. در این مرحله، ناپایداری متغیرها تأیید شد. بر این اساس، با هدف تشخیص جهت علیت از مدل خود توضیح برداری استفاده گردید. همچنین با استفاده از آزمون علیت گرنجر، رابطه سببی بین توسعه بیمه‌های غیرزندگی و رشد اقتصادی بررسی شد.

نتایج تجربی پژوهش نشان می‌دهد نوسانات مربوط به بیمه‌های غیرزندگی بر نوسانات رشد اقتصادی کشور به‌طور معنی‌دار تأثیر نداشته است. بنابراین، وجود رابطه علی از توسعه بیمه‌های غیرزندگی به رشد اقتصادی تأیید نمی‌شود. این یافته مؤید سازگاری نظری با دیدگاه لوکاس (۱۹۸۸) است. به عبارت دیگر، «نظریه رهبری عرضه» و «نظریه تعقیب تقاضا» در این مطالعه تأیید نمی‌شود. در اقتصاد ایران با توجه به نتایج به‌دست آمده به نظر می‌رسد صنعت بیمه در رشته‌های غیرزندگی با عملکرد نامناسب در پرداخت خسارت اعم از پرداخت

خسارت کمتر از واقع یا پرداخت زمان بر خسارت نتوانسته‌اند ثبات مالی را بین خانوارها و جامعه ایجاد کند و این خود عاملی است که موجب می‌شود بیمه‌گذاران به‌طور بالقوه تمایلی به خرید بیمه نامه‌های جدید نداشته باشند. در نتیجه، صنعت بیمه نتوانسته پس‌اندازهای کوچک را جمع‌آوری و به تحرک و هدایت آن‌ها کمک کند.

همچنین، در این رشته‌ها از تدابیر مقتضی و مؤثر برای کاهش خسارت (از طریق اعمال توصیه‌های ایمنی) استفاده نشده است تا از کانال کاهش خسارت پرداختی، این شرکت‌ها قادر باشند نرخ‌های حق بیمه را کاهش دهند. از طرف دیگر، می‌توان استنتاج کرد که این گروه شرکت‌های فعال در رشته‌های غیرزندگی نتوانسته‌اند از ذخایر فنی این رشته‌ها، در بازار سرمایه مناسبی به عمل آورند. نکته نهایی که در پایان می‌تواند به آن اشاره کرد، آن است که اثر عوامل مذکور به این امر می‌انجامد که رشته‌های بیمه‌ای غیرزندگی نتوانند از دو کانال انباشت سرمایه و نوآوری فنی، از رشد اقتصادی حمایت کنند.

فهرست منابع

- بشیر خداپرستی، ر (۱۳۸۹)، *اصول بیمه*، ارومیه: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- جعفری صمیمی، احمد و کاردگر، ابراهیم (۱۳۸۵)، «آیا توسعه بیمه، رشد اقتصادی را حمایت می‌کند؟ تجزیه و تحلیل اقتصاد ایران ۱۳۸۲-۱۳۳۸»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره دوم.
- سلطانی، حامد (۱۳۹۰)، «تحلیل ارتباط گسترش صنعت بیمه و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منتخب (الجزایر، اندونزی، مالزی، پاکستان، ترکیه، فلپین، مصر و هند) و مقایسه آن با ایران طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۷۶»، *پژوهشکده بیمه ایران*.
- عزیزی، فیروزه و پاسبان، فاطمه (۱۳۷۶)، «رابطه بین بیمه زندگی و رشد اقتصادی»، *فصلنامه صنعت بیمه*، نشریه بیمه مرکزی ایران.
- نوفرستی، محمد (۱۳۷۸)، *ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.

Adams, M., Andersson, J., Andersson, L.F. and Lindmark, M., (2005). *The historical relation between banking, insurance and economic growth in Sweden: 1830 to 1998*. Norges Handelshøyskole, Department of Economics Discussion Paper SAM, 26.

Arena, M., (2008). Does insurance market promote economic growth? A cross-country study for industrialized and developing countries. *Journal of Risk and Insurance*, 75(4), pp. 921-46.

Beenstock, Michael, Greedy Dicknson and Sajay khajuria (1988) The Relationship between Property – Liability Insurance Premium and Income; An International Analysis, *Journal of Risk and Insurance*.

Ching, K.S. and Kogid, M. Furuoka, F., (2010). “Causal Relation between

- Life Insurance Funds and Economic Growth -Evidence from Malaysia”, *ASEAN Economic Bulletin* Vol. 27, No. 2 (2010), pp. 185–99.
- Cummins, J.David, (1973) an Econometric Model or the Life Insurance Sector of the U.S. Economy; *Journal of Risk and Insurance*.
- Dickey, D.A. and Fuller, W.A. (1981) Distribution of the Estimators for Autoregressive Time Series with Unit Roots”, *Econometrica*.
- Granger, C.W. (1988) Some Recent Developments in A Concept of Causality; *Journal of Econometrica*.
- Haiss, P. and Sümegi, K., (2008). *The relationship between insurance and economic growth in Europe: A theoretical and empirical analysis*. *Empirica*, 35 (4), pp. 405-31.
- Han, L., Donghui, L., Fariborz, M. and Yanhui, T., (2010). Insurance development and economic growth. *The Geneva Papers*, 35, pp. 183–99.
- Kugler, M. And Ofoghi, R. (2005) *Does Insurance Promote Economic Growth? Evidence from the UK*; Working Paper, May, Division of Economics, University of Southampton, UK.
- Levine, R. (1997) Stock Markets, Growth and Tax Policy; *Journal of Finance*.
- Lucas, R.E. (1988) On the Mechanics of Economic Development; *Journal of Monetary Economics*.
- Merton, R.C. and Bodie, Z. (1995) *A Conceptual Framework for Analyzing the Financial Environment; In: the Global Financial System: A Functional Perspective*, Eds: D.B. Crane, et al., Boston, MA: Harvard Business School Press.
- Merton, R.C. and Bodie, Z. (2004), *the Design of Financial Systems: Towards a Synthesis of Function and Structure*; National Bureau of Economic Research Working Paper.
- Outreville, J.F. (1997) Life Insurance Markets in Developing Countries; *Journal of Risk and Insurance*.
- Ramanathan, R. (1992), *Introduction to Econometrics with Applications*,
-

2nd edition. New York: Harcourt Brace Jovanovich.

Solow, R., Merton, (1956), "A Contribution to the Theory of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics* No. 70: 65-94.

Tan khay Boon (2004) *Do Commercial Banks, Stock Market and Insurance Market Promote Economic Growth: An analysis of the Singapore Economy*; School of Humanities and Social Studies Nanyang Technological University.

Wadlamannati, K.C., (2008). "Do Insurance Sector Growth & Reforms Effect Economic Development? - Empirical Evidence from India", *the Journal of Applied Economic Research*, 2(1), pp. 43-86.

Ward D. and Zurbruegg, R., 2000. Does insurance promote economic growth? Evidence from OECD countries. *The Journal of Risk and Insurance*, 67 (4), pp. 489-506.

Web, P.Ian, Grace, F.Martin and Skipper, D.Harold (2002) *The Effect of Banking and Insurance on the Growth of Capital and output*; Center for Risk Management and Insurance Working Paper 02-1, Georgia State University.
